



■ مجید فکری

برادر شهید می گوید: شهید خلبان "محمد امین میرمراذهی" سال ۱۳۳۲ در خانواده ای متدین در روستای سیب از توابع شهرستان سراوان دیده به جهان گشود. وی به عنوان اولین فرزند خانواده، باعث شادی و مسرت و امیدواری همه شد. ادب، مهربانی، خوش برخوردی و خوش چهره بودنش در زمان کودکی، تحسین همه را برانگیخته بود.

> تأثیرگذار بر رفتار و کردار اطرافیان

وی می افزاید: دوران ابتدایی را در روستای «سیب» و دوران راهنمایی و دبیرستان را در شهرستان سراوان گذراند. در طی این مدت هم کلاسی ها و دوستان خوبی پیدا کرد. بنا به روایت دوستان زمان دبیرستانش، «محمد امین» اخلاق خوب و حسنه داشت و فردی خوش برخورد و جذاب بود و تأثیر عمیقی بر رفتار و کردار اطرافیانش داشت؛ تا جایی که همه دوستان و معلمان وی از اخلاق خوب و اندیشه و تفکر اسلامی وی متعجب بودند. همین اخلاق خوب باعث می شد با اولین برخورد، همه مجذوب وی شوند. خاطرات شیرین و جذاب بسیاری از وی در خاطر دوستان و اطرافیانش وجود دارد.

هدایت ... میرمراذهی برادر شهید می افزاید: شهید خلبان محمد امین میرمراذهی رویای کودکی هایش خلبانی بود. از همان ابتدای کودکی و تحصیل، عشق به آسمان و پرواز در وجودش موج می زد. یادم می آید کرف آبی رنگی داشت که رویش نوشته بود "بلند آسمان جایگاه من است" وقتی از او می پرسیدیم این را برای چه نوشتی و منظورت چیست می گفت: من بالاخره خلبان می شوم. خلبانی را دوست دارم یعنی آرزوی بچگی هایش خلبان شدن بود و ما بعدا متوجه شدیم او به هدفش رسید. به گفته این نماینده مجلس، محمد امین بدنی تنومند و قدی بلند و علاقه زیادی هم به انجام کارهای سنگین داشت. عاشق خلبانی بود و پس از مطلع شدن از پذیرش نیرو در هوانیروز، به همراه یکی از هم استانی های خود به نام «حسین پهلوان» در دانشکده خلبانی نیروی زمینی ارتش به عنوان دانشجوی خلبانی بالگرد "کبرا" پذیرفته شد. دوران تحصیل را در تهران با موفقیت و به عنوان یکی از بهترین خلبانان و چتربازان به پایان رساند.

> نقش آفرینی در مبارزه با غائله کردستان

«هدایت ... میر مراذهی» ادامه می دهد: پس از آن محمد امین در گروه رزمی و پشتیبانی هوانیروز اصفهان مشغول خدمت شد. در آن جا از خلبانان موفق و توانمند و مسئولیت پذیر به شمار می آمد. هنگام پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به همراه دیگر همراهانش نقش ارزنده ای در پیشبرد اهداف انقلاب ایفا کرد. از ابتدای شروع درگیری کردستان، در مبارزه و سرکوب شرارت ها نقش آفرینی به سزایی داشت و موفق شد با کمک هم سنگران منطقه را از شر دشمنان معاند خارجی و فریب خوردگان داخلی پاکسازی کند. با شروع جنگ تحمیلی توسط رژیم بعثی عراق علیه مرز و بوم اسلامی مان، با میل و اشتیاق و افتخار در جبهه حضور یافت و در نبرد حق علیه باطل، تلاش ها و رشادت های فراوان از خود بروز داد. هم رزمانش شهامت و دلیری و تلاش وافر و علاقه شدید او به دفاع از خاک عزیز کشورمان و رشادت ها و از خودگذشتگی هایش را نشانه شخصیت والای او می دانستند. اخلاق و رفتار خویش زیانزد همگان بود. همیشه می گفت: تا خون در بدن داشته باشیم، اجازه نمی دهم یک وجب از خاک میهن اسلامی به دست دشمن بپد بپفتد. برادر شهید در اولین خاطره از «محمد امین» می گوید: در یکی از سفرها که برای دیدن والدین به محل زادگاهش آمده بود، مادرش به خاطر علاقه و مهربانی که به این فرزند خوب و شایسته داشت، به او توصیه کرد به وظیفه اش در دفاع از میهن اسلامی ادامه دهد و در این راه هیچ کوتاهی نکند؛ اما مواظب خودش باشد که مادر تحمل خبر ناگوار از دست دادن فرزند را ندارد. اما این شهید عزیز در پاسخ مادر گفت: به هیچ قیمت و بهایی نمی توانم در حالی که کشور در خطر هجوم دشمن قرار دارد، لحظه ای از پای بنشینم. تا آخرین قطره خون از سرزمین و خاک و ناموس دفاع خواهم کرد. خون من از سربازی که روی زمین می جنگد، رنگین تر نیست. از مرگ هراسی ندارم و راضی ام به رضای خدا و به شهادت افتخار می کنم، اگر خداوند نصیبم کند. وی ادامه می دهد: پس از آن در آزمون استاد خلبانی، موفق شد؛ ولی با توجه به نیازی که در جبهه و جنگ به نیروهای کارآمد احساس می شد، حضور در جبهه را به تدریس و استاد خلبانی ترجیح داد. دوستانش وی را فردی بسیار بی باک و تترس و جسور می شناختند. بیشتر پروازهای او افتخاری و بدون نوبت و داوطلبانه بود. در پروازها گاهی برای سرکوب نیروهای بعثی در خاک دشمن پیش می رفت. برادر شهید می گوید: شهید محمد امین، خانواده را دوست داشت، همه برادران، فرزندان و خواهر و همسرش را اما احساس می کرد، مبارزه کردن در زمان فعلی از هر کاری

واجب تر است و اگر در این زمینه قصور کند، مقصر است.

> عملیات جنگی خارج از نوبت

میرمراذهی، خصوصیت بارز اخلاقی محمد امین را شجاعت، مردانگی، صداقت، اخلاص، وفاداری به مرز و بوم و خاک ایران و وفاداری به انقلاب عنوان می کند و می گوید: تصویری که همواره از برادر شهیدم به خاطرم می آید سخت کوشی ویژه اوست. چرا که او همواره در همه امور و کارهای روزمره زندگی سخت ترین کار را برای خودش انتخاب می کرد. در دوران دانش آموزی همه کارهای سخت خانه را خودش انجام می داد. در مدرسه به کمک هم کلاسی هایش می شتافت در واقع آرمانش کمک به هم نوعانش بود. در دوران خلبانی لباس و ظروف دیگر هم رزمانش را می شست حتی زمانی که به درجات بالای خلبانی رسید به او پیشنهاد کردند که می تواند به تدریس خلبانی بپردازد اما او نپذیرفت و سوار شدن بر بالگرد کبرا را انتخاب کرد. او همواره می گفت: من سخت ترین کارها را انجام می دهم تا ثواب ببرم و مدافع قوی مرز و بوم باشم. حتی در جبهه نبرد خارج از نوبت به صورت داوطلبانه به جبهه می رفت. با افتخار می گفت: من به جای بقیه هم می روم، جبهه ها به ما نیاز دارد . ما ایستاده ایم تا از خاک خویش دفاع کنیم.

> نظر شهید شیرودی درباره میرمراذهی

وی با بیان نظر شهید شیرودی درباره برادرش می گوید: در زمانی که به درجه خلبانی و استاد خلبان بالگرد کبرا رسید، جزو هم رزمان شهید شیرودی بود. شهید شیرودی درباره او گفته است: «محمد امین» رشید ترین و شجاع ترین خلبان ما است. او با بیان خاطره ای از دوران مبارزات پیش از انقلاب شهید محمد امین می گوید: در بحبوحه انقلاب زمانی که تازه نامزد کرده بود و در دانشکده ای در تهران درس می خواند عکسی از امام خمینی (ره) به روستایمان در سیستان و بلوچستان آورد و به همه نشان داد و گفت : برای رهایی از ظلم و ستم ... باید طرفدار امام(ره) باشیم. و من از همان جا نخستین بار با چهره امام راحل آشنا شدم.

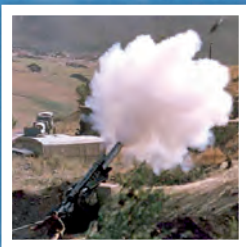
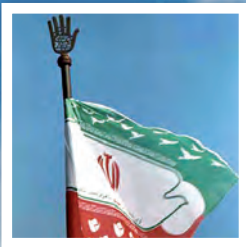
> روزی که با بالگرد به خانه آمد

محمد امین زمانی که به شهرمان می آمد با لباس محلی بین مردم رفت و آمد می کرد حتی یادم می آید یک بار با بالگردش وسط حیاط خانه نشست و همه همشهری های مان آمدند تا هم با او و هم با وسیله پروازش عکس یادگاری بیندازند. خانواده ما جزو ایلات بلوچ و به خوش نامی در این منطقه معروف است، با این حال شهید محمد امین تکبر نداشت، حتی کارهای کوچک هم انجام می داد، متواضع بود، با این که با اسکورت به روستا می آمد اما باز هم، بدون ریا و تکبر به کشاورز و دامدار کمک می کرد. برای ما جالب بود فردی که به چنین درجه والای خلبانی رسیده عارش نمی آید که به هم ولایتی هایش کمک کند.

پرونده خلبان شهید سرتیپ محمد امین میرمراذ زهی تا لحظه شهادت سرشار از مأموریت ها و پرواز های دلیرانه وشجاعانه در مبارزات باضد انقلاب، کومله و دموکرات در کردستان، مبارزه با اشترار در بلوچستان وجبهه های نبرد حق علیه باطل است. او خلبانی ورزیده بود که عشق به خدا ومیهن ومردم درهمه وجودش متبلور بود. او جنگاوری بی باک وصبور بود که در عملیات متعدد جنگی حماسه های جاوید و به یاد ماندنی خلق کرد وطعم موشک ها وراکت های بالگردش را دشمن و به خصوص ادوات زرهی وتانک ها واستحکاماتش، بارهاوبارها چشیدند. ماموریت های متعدد داوطلبانه او در تاریخ زرین سال های دفاع مقدس به دفعات ثبت وضبط شده است. آخرین ماموریت این خلبان فداکار ودلیر هوا نیروز قهرمان نیروی زمینی ارتش، در منطقه جنوب ثبت شده است.

در عملیات رمضان در تاریخ ۱۹ تیر ماه ۱۳۶۱ یک تیم آتش هوانیروز برای پشتیبانی از رزمندگان به منطقه اعزام می شودکه او چندین پرواز متعدد انجام می دهد. سرانجام روز ۲۳ تیرماه ۱۳۶۱ «محمد امین میرمراذهی» به عنوان داوطلب و بدون این که نوبت پرواز او فرارسیده باشد، به اتفاق ۴ فروند بالگرد کبرا به خاطر این که خاک کشور را از لوث وجود دشمن نجات دهد و برای پشتیبانی تعدادی از نیروهای ایرانی که در خطر پاتک دشمن قرار داشتند، به طرف بصره عراق به پرواز درآمد که بالگردش در نزدیکی بصره به وسیله نیروهای بعثی مورد اصابت موشک قرار گرفت وهمراه کمک خلبان و هم پروازش، «ایرج عیوضی» به درجه رفیع شهادت نایل شد.

در آن روز ۷ مرحله پرواز وشکار ادوات و تجهیزات شنیداری دشمن را انجام داده بود تا آن که در حین عملیات موشک "مالیوکا"ی دشمن او را هدف قرار داد و پس از سقوط، محمد امین میرمراذهی در میان شعله های آتش به درجه رفیع شهادت نایل می شود.



پلاک عزت

ویژه سی و سومین سالگرد دفاع مقدس